

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۳۹۴



ورزشی

اخبار

هافبک لالیگایی سپاهانی شد



سپاهان با بازیکن رئال وایادولید اسپانیای قرارداد امضا کرد. ایوان سانچز، وینگر ۳۲ ساله فصل گذشته رئال وایادولید اسپانیای قراردادی به مدت ۲ فصل با سپاهان اصفهان امضا کرد. سانچز طی ۳ فصل گذشته، ۱۱۴ بازی برای وایادولید انجام داده و پیراهن شماره ۱۰ این تیم را نیز به تن کرده است.

■ ■ ■

برنامه بلندپروازانه فیفا برای

تجاری سازی بیشتر فوتبال باشگاهی

فیفا با طرحی تازه در پی گسترش جام جهانی باشگاه‌ها و بازنگری در تقویم فوتبال جهان است؛ تغییریری که می‌تواند توازن میان فوتبال باشگاهی و ملی را به‌هم بزند.

به گزارش تسنیم، فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) در حال بررسی و برنامه‌ریزی برای ایجاد تغییراتی گسترده در ساختار برگزاری جام جهانی باشگاه‌هاست؛ تغییریری که می‌تواند تأثیر چشمگیری بر تقویم فوتبال بین‌المللی بگذارد. روزنامه بریتانیایی گاردین در گزارشی از این تصمیم احتمالی خبر داده است.

بر اساس اطلاعات منتشر شده، فیفا قصد دارد از سال ۲۰۲۹، برگزاری جام جهانی باشگاه‌ها را از ۴ سال یک بار به ۲ سال یک بار کاهش دهد. علاوه بر این، تعداد تیم‌های شرکت‌کننده در این تورنمنت نیز از ۳۲ به ۴۸ تیم افزایش خواهد یافت. این افزایش قابل توجه در تعداد تیم‌ها به منظور گسترش رقابت‌ها و ایجاد جذابیت بیشتر برای بازارهای جهانی صورت می‌گیرد. برای حفظ کیفیت فنی مسابقات، فیفا در حال بررسی محدودیت‌هایی برای تعداد تیم‌های حاضر از هر کشور است و احتمال دارد بیش از ۲ باشگاه از یک کشور مجاز به حضور در این رقابت‌ها نباشند. نخستین دوره جام جهانی باشگاه‌ها با فرمت جدید از سال ۲۰۲۵ در آمریکا برگزار شد. در آن رقابت‌ها، ۳۲ تیم برتر باشگاهی از سراسر جهان حضور داشتند. در دیدار پایانی تیم فوتبال چلسی موفق شد با پیروزی قاطع ۳ بر صفر مقابل پاریس‌ژرمن عنوان قهرمانی رقابت‌ها را از آن خود کند.

■ ■ ■

انتقاد کاتالان‌ها از کارلتو: هنوز هوای رئال را داری!

به گزارش ورزش سه، کارلتو، سرمربی تیم فوتبال رئال مادرید، در مصاحبه‌ای با خبرنگارانی از اسپانیا، به انتقاد از عملکرد کارلتو، سرمربی تیم فوتبال بارسلونا، پرداخت. کارلتو در مصاحبه‌ای با خبرنگارانی از اسپانیا، به انتقاد از عملکرد کارلتو، سرمربی تیم فوتبال بارسلونا، پرداخت. کارلتو در مصاحبه‌ای با خبرنگارانی از اسپانیا، به انتقاد از عملکرد کارلتو، سرمربی تیم فوتبال بارسلونا، پرداخت.

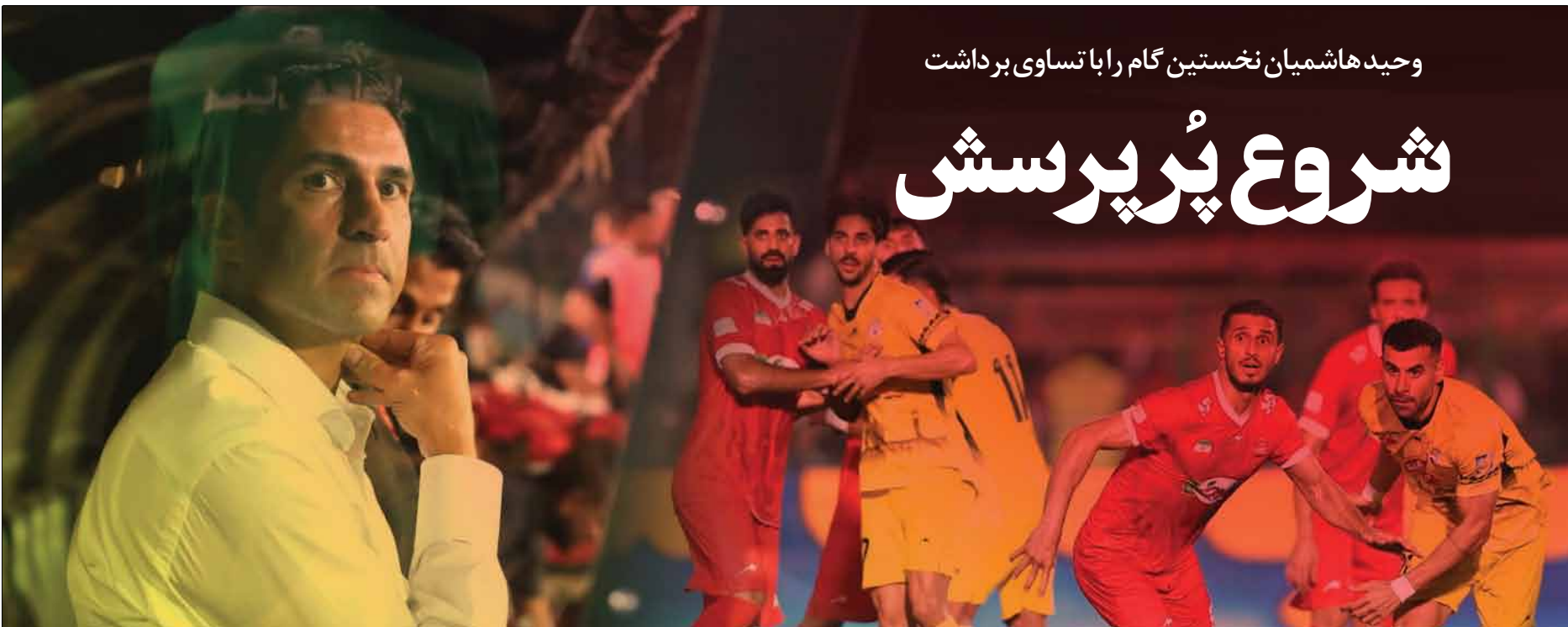


رسانه‌های کاتالان به خبر خط خوردن وینسیوس از تیم ملی برزیل واکنش تند نشان داده و آنچلوتی را به تلاش برای حفظ منافع رئال متهم کردند. ادعای سایات برزیلی گلوبو درباره وینسیوس جونیور در اسپانیا بازتاب‌های زیادی داشته است. گلوبو مدعی شد کارلو آنچلوتی تصمیم گرفته وینسیوس را برای دیدارهای فیفادی سیستمیر دعوت نکند؛ تصمیمی که با واکنش تند مطبوعات کاتالونیا روبه‌رو شد. روزنامه اسپورت این اقدام را با لحنی طعنه‌آمیز «طلف آنچلوتی به وینسیوسوس ... و رئال مادرید» توصیف کرد.

با این حال، از دید خیلی‌ها این تصمیم منطقی به نظر می‌رسد. برزیل صعود خود به جام جهانی ۲۰۲۶ را قطعی کرده و دیدارهای پیش رو اهمیت چندانی ندارد. بنابراین استراحت دادن به وینسیوس اقدام عجیبی نیست. این تصمیم هم ریسک مصدومیت را کاهش می‌دهد و هم تضمین می‌کند او در مقاطع حساس فصل با انرژی کامل در دسترس باشد. آنچلوتی با همان سبک آرام و دیپلماتیک خود، در حال شکل دادن به حلقه‌ای است که در رئال مادرید داشت؛ حلقه‌ای موسوم به «بازیکنان غیرقابل جایگزین». وینسیوسوس (با وجود غیبت موقت)، رودریگو، میلیتائو، کاسیمیرو و رافینیا در قلب پروژه او قرار دارند. در مقابل، وضعیت نیمار همچنان مبهم است. او هرچند به سانتوس بازگشته اما عملکردی دور از انتظار داشته و شکست سنگین ۶-۰ مقابل واسکودوگاما این موضوع را پررنگ‌تر کرده است. شکایت رسانه‌های کاتالان این است که مدیریت آنچلوتی بر تیم ملی برزیل، همزمان رنگ و بوی مادریدی هم دارد. معاف کردن وینسیوسوس از یک سفر طولانی و حضور در یک بازی بی‌اهمیت ملی، لطف مستقیم به رئال مادرید است. کارلتو را دیگر نشان داد در کنار فکر کردن به سلسائو، خوب بلد است منافع باشگاه سابقش، سفیدپوشان مادرید را هم در نظر بگیرد.

وحید هاشمیان نخستین گام را با تساوی برداشت

شروع پُرسش



خانگی برابر تیمی تازه‌وارد، در نگاه این هواداران یک عقب‌گرد بزرگ بود. فریادهای اعتراض آنها در پایان بازی و واکنش‌های تند در شبکه‌های اجتماعی، نشان داد هاشمیان از همین ابتدا زیر فشار سنگینی قرار گرفته. این فشار اگر درست مدیریت نشود، به‌راحتی می‌تواند جو تیم را متشنج کرده و فضای رختکن را به بحران بکشانند.

■ فرصت بازسازی یا آغاز سقوط؟

دیدار نخست را شاید بتوان به حساب بدشناسی یا شرایط خاص تیم گذاشت اما ادامه مسیر جایی برای توجیه باقی نمی‌گذارد. هاشمیان حالا باید با شجاعت تصمیم بگیرد: یا خیلی زود نظم و هویت تازه‌ای برای تیمش بسازد یا دچار همان سرنوشتی شود که بسیاری از مربیان پیش از او در پرسپولیس تجربه کرده‌اند؛ پایان تلخ تنها امتیاز مثبت فعلی برای او، حضور بازیکنان باتجربه‌ای است که اگر درست مدیریت شوند، می‌توانند تیم را از این سردرگمی خارج کنند.

■ راه دشوار مرد آهنین

نخستین حضور وحید هاشمیان روی نیمکت پرسپولیس با تسلی و نمایش ناامیدکننده همراه شد او باید بداند در این باشگاه، فرصت آزمون و خطا محدود است و هر لغزش می‌تواند به بحرانی بزرگ تبدیل شود. تیمی که هوادارانش عادت به قهرمانی دارند، تحمل بازی‌های بی‌نظم و نتایج نصفه و نیمه را ندارد. حالا همه نگاه‌ها به بازی‌های بعد دوخته شده تا مشخص شود آیا مرد آهنین می‌تواند از این آزمون سخت عبور کند یا خیر. آینده پرسپولیس و شاید آینده مربیگری هاشمیان، به سرعت واکنش او در هفته‌های پیش رو گره خورده.

هیچ بهره‌ای نبرده است.

■ مشکلات دفاعی؛ زنگ خطر جدی

در کنار بی‌نظمی در حمله، خط دفاع پرسپولیس هم پر از اشتباه بود. روی گل خورده، بازیکنان در جاگیری و پوشش ضعف آشکاری داشتند و همین اشتباه کافی بود تا حریف جسورانه‌تر بازی کند. اگر فجر شهید سیاسی تیمی پرقدرت‌تر بود، شاید نتیجه به مراتب بدتر از تساوی می‌شد. این ضعف در سازمان دفاعی مسالهای نیست که بتوان آن را به غیبت یک یا ۲ بازیکن ربط داد، بلکه نشان می‌دهد ساختار تیمی هنوز شکل نگرفته و فاصله زیادی تا رسیدن به یک تیم منظم وجود دارد.

■ زمان، دوست یا دشمن؟

هاشمیان بارها تأکید کرده برای پیاده‌سازی تفکراتش نیاز به زمان دارد. این حرف درست است، هیچ تیمی یک‌شبه ساخته نمی‌شود اما مشکل این است که در فوتبال ایران، صبر و حوصله کالایی کمیاب است. پرسپولیس تیمی نیست که فرصت چند ماهه به مربی بدهد تا آرام‌آرام به هماهنگی برسد. هواداران و رسانه‌ها هر هفته عملکرد تیم را زیر ذره‌بین می‌برند و مدیریت باشگاه هم نمی‌تواند نسبت به نتایج بی‌تفاوت باشد. بنابراین، زمان برای هاشمیان هم می‌تواند فرصت باشد و هم تهدید؛ اگر سریع‌تر تغییرات ملموس ایجاد نکند، همین زمان به دشمن اصلی او بدل خواهد شد.

■ فشار هواداران و رسانه‌ها

پرسپولیس تنها یک باشگاه فوتبال نیست، یک پدیده اجتماعی است. میلیون‌ها هوادار پرشور دارد که با کوچک‌ترین لغزش تیم، فضای مجازی و رسانه‌ها را بر می‌کنند. تساوی

همان هفته اول آغاز شد

بحران زودهنگام

داشتند، چرا که حتی بازیکنان جذب‌شده هم به‌موقع آماده نشدند و کارت بازی بسیاری در هفته نخست صادر نشد. همین تعلل کافی بود تا تیمی که باید در اوج باشد، دست‌وپا بسته مقابل فجر شهید سیاسی ظاهر شود. به این ترتیب، وعده‌های پرطمطراق درویش بار دیگر روی کاغذ ماند و در میدان نتیجه‌ای به بار نیاورد. وحید هاشمیان تازه‌نفس آمده بود تا بعد از کارت‌ل جان تازه‌ای به تیم بدمد اما ورود او با فهرست نیمه‌بسته‌ای همراه شد. بخشی از خریدها پیش‌تر انجام شده بود. هاشمیان برای تکمیل تیمش چند بازیکن دیگر هم آورد اما مشکل اصلی اینجا بود: او برای استفاده از مهرهایش هیچ نقشه منسجمی ارائه نداد.

پرسپولیس او در همان بازی اول نه سازمان دفاعی مشخصی داشت، نه راهبرد هجومی قانع‌کننده. تیم بیشتر به گروهی از بازیکنان نامدار شویه بود که کنار هم قرار گرفته‌اند، بدون اینکه ایده‌ای روشن از نحوه هماهنگی وجود داشته باشد. البته نمی‌توان از بی‌نظمی اداری و تاخیر در صدور مجوز بازی خریدهای تازه چشم‌پوشی کرد اما در نهایت مربی باید برای چنین احتمالاتی راهکار داشته باشد. وقتی تیمی بی‌برنامه در زمین قدم می‌گذارد،

پرسپولیس در نخستین قدم لیگ بیست‌وپنجم نتوانست هوادارانش را امیدوار کند. مسابقه‌ای که همه انتظار داشتند با یک برد شیرین خانگی برگزار شود، در نهایت به تساوی ختم شد و تازه پرسپولیس از شکست گریخت. تک گل علی علیپور در اوپسین لحظات تنها دستاورد سرخ‌ها بود؛ گلی که نه‌از برنامه تاکتیکی و بلکه بیشتر از هوش فردی و شلوغی محوطه جریمه به ثمر رسید. همین تصویر کافی است تا روشن شود پرسپولیس در آغاز فصل، نه نشانی از یک مدعی قدرتمند داشت نه طرحی برای تسلط بر حریف تازه‌وارد لیگ.

رضا درویش مدت‌هاست در فوئان انتقادها ایستاده است. او در بازار نقل‌وانتقالات سرعت را بالا برد و در چند روز اغلب خریدهای پرسپولیس را انجام داد. هفته‌های نخست به نظر می‌رسید برنده رقابت است اما هرچه جلوتر آدمیم، تناقض‌ها آشکار شد. پرسپولیس بیش از حد در یک خط هزینه و سایر نقاط زمین را فراموش کرد. خریدهای متعدد در بخش کناری زمین باعث شد عمق و دفاع تیمی بدون تقویت بماند.

هواداران که از این تصمیمات به ستوه آمده‌اند، در ورزشگاه شعار «حیا کن، رها کن» را نثار مدیرعامل کردند. آنان حق



مهدی طاهر خانی

که همیشه در گریب حاشیه‌های مالی و مدیریتی بود اما امروز شرایط متفاوت است؛ امروز دیگر سخن از ماندن یا نماندن او نیست، بلکه پرسش این است: ادامه این مسیر چه آسیبی به پرسپولیس خواهد زد.

■ دستاوردهای روشن، واقعیت‌های تلخ

کارنامه درویش خالی از موفقیت نیست. قهرمانی‌های لیگ و جام حذفی، جذب بازیکنان کلیدی و مدیریت بحران‌های مالی، بخش مهمی از میراث اوست. هواداران منصف هم این را فراموش نمی‌کنند اما در کنار این کارنامه، واقعیت تلخی وجود دارد: سلسله اتفاقات اخیر – از جدایی کارتال، انتخاب وحید هاشمیان،

تیم فجر شهید سیاسی شیراز که ورودش به لیگ برتر و نخستین بازی خود را با ۳ امتیاز منفی ناشی از عدم کسب مجوز حرفه‌ای، در تهران برابر پرسپولیس بر گزار می‌کرد، توانست با ارائه یک بازی هدفمند، یقه سرخ‌پوشان میزبان را بگیرد. پیروز قربانی که مانند وحید هاشمیان نخستین سرمربیگری‌اش در لیگ برتر را تجربه می‌کرد تیمش را بخوبی برای این دیدار آماده کرده بود؛ او در کنفرانس خبری قبل از بازی نیز چنین نوبیدی داده بود. نبود چند تن از بازیکنان در ترکیب فرمزپوشان پایتخت که بیشتر به خاطر مشکل قرارداد بود، هاشمیان را مجبور به تغییر ترکیب تیمش کرد ولی این دلیلی بر کم‌ارزش کردن بازی خوب و با برنامه شاگردان قربانی نمی‌شود، چراکه همین تیم پرسپولیس به لحاظ فنی و تجربه به مراتب ستر از بازیکنان کم نام و نشان شیرازی بود.

فجر سیاسی که نامدارترین بازیکنانش مسعود ریگی (بازیکن

مسوؤل مستقیم آن نیمکت است، حتی اگر تنها یک هفته از شروع لیگ گذشته باشد.

بزرگ‌ترین نقد به مجموعه پرسپولیس در تابستان همین ناترزی آشکار در خریدهاست. آنها به جای تمرکز بر نقاط ضعف، انرژی و سرمایه را در پست‌هایی ریختند که نیاز فوری نبود. نتیجه این شد که پرسپولیس در روز نخست فصل، با کمبود بازیکن آماده در بعضی خطوط مواجه شد و مقابل تیمی که تازه از لیگ آزادگان آمده بود، مجبور شد به گل دقیقه آخر بسنده کند.

هواداران از همان لحظه آخر مسابقه می‌دانستند این نتیجه فقط یک مساوی ساده‌ن نیست؛ نشانه‌ای است از مشکلات عمیق‌تر. تیمی که قرار بود با انتقال‌های پرهایهو آغازگر فصلی متفاوت باشد، هنوز در گیر همان کاستی‌های فصل قبل است. پرسپولیس با هاشمیان در نقطه‌ای حساس ایستاده است. او باید ثابت کند فقط یک انتخاب اضطراری بعد از ناکامی‌های مدیریتی نیست، بلکه توانایی ساختن تیمی مدرن و کارآمد را دارد. هرچند تنها یک بازی برگزار شده نمی‌توان حکم قطعی داد اما آنچه در زمین شهر قدمش دیده شد، هشدار می‌دهد که اگر نظم تاکتیکی و شفافیت در برنامه‌ها به‌سرعت به تیم تزریق نشود،

درباره درویش و پرسپولیس؛ وقت خدا حافظی نرسیده؟

برای ماندن برو

ماندنی که به ضرر است

ماندن درویش در این شرایط نه به سود خودش است نه به سود پرسپولیس. مگر اینکه نمی‌تواند معجزه کند و ۲۹ هفته پیاپی پیروز شود تا صدها خاموش شود؛ چیزی که در واقعیت فوتبال امروز غیرممکن است. حتی اگر پرسپولیس چند

بازی هم ببرد، با یک مساوی یا شکست، دوباره همان آتش است و همان کاسه.

این روش اصلاح‌شدنی نیست، ماندن استخوانی است که لای زخم مانده و درمان را ناممکن می‌کند. درویش اگر امروز هم بماند، نتیجه‌ای جز فرسایش شخصی و افزایش حاشیه‌ها برای باشگاه نخواهد داشت.

■ فرصت‌طلبان در سایه



فرار پرسپولیس از شکست در اوقات تلف‌شده

فجر فقط ۴ دقیقه کم آورد!



که چشم به ضحمله داشت، موقعیت‌هایی بهتر از پرسپولیس هجومی را روی دروازه رفیعی ایجاد کرد که با مهار این دروازه‌بان همراه شد.

نیمه دوم هم که هاشمیان، بازیکنانی نظیر ارونوف، میلاد محمدی و خدابنده‌لو را به زمین فرستاد، باز این فجر سیاسی بود

که با وجود بازی دفاعی، فرصت‌های خطرناک‌تری روی دروازه میزبان خلق کرد که اگر شاگردان قربانی دارای خودباوری بیشتری بودند، چه بسا می‌توانستند قبل از گل تساوی فرمزپوشان به گل‌های بعد خویش دست یابند که مهم‌ترین آنها لحظاتی قبل

خیلی زود فاصله پرسپولیس با دیگر مدعیان زیاد خواهد شد. هواداران پرسپولیس صبور نیستند. آنها از تیم‌شان انتظار برده‌ای متوالی دارند، نه توجیه‌های مدیریتی و فنی. هاشمیان اگر نتواند از این فرصت برای نشان دادن توانایی‌هایش بهره ببرد، به سرعت در همان مسیری قدم خواهد گذاشت که مربیان پیش از او رفتند؛ مسیری کوتاه، پر از فشار با پایان زودرس. نقطه تلاقی ناآرامی‌آرامی مدیریتی و سردرگمی فنی، تصویری است که پرسپولیس امروز دارد: تیمی پرزهنه، پرهیاهو و در عین حال بی‌اثر. مساوی مقابل فجر سیاسی شاید روی کاغذ فاجعه نباشد اما در عمل نشانه‌ای از بی‌برنامگی عمیق است. اگر این روند ادامه پیدا کند، پرسپولیس بار دیگر در گرداب حاشیه و اعتراض هواداران گرفتار خواهد شد.

برای باشگاهی با این ابعاد، هیچ چیز خطرناک‌تر از آغاز فصلی ناامیدکننده نیست. هنوز راه زیادی مانده اما همین نخستین قدم‌ها گویای آن است که پرسپولیس بیشتر از آنکه آماده رقابت باشد، گرفتار آشفته‌گی درونی است؛ آشفته‌گی‌ای که محصول مشترک نیمکت و مدیریت است و اگر درمان نشود، می‌تواند یک فصل کامل را از بین ببرد.

باید واقعیت دیگری را هم دید: کسانی هستند که در تیم‌های دیگر هرگز تأیید صلاحیت نمی‌شوند اما امروز تصور می‌کنند با رفتن درویش می‌توانند بر صندلی مدیریت پرسپولیس بنشینند. ایرادی ندارد؛ شاید تجربه واقعی نشان دهد آنها چه در چننه دارند اما این نباید بهانه‌ای شود برای آنکه باشگاه در فضای ملتهب کنونی گرفتار نشود.

■ پایان یک فصل؛ آغاز آرامش؟

دستاوردهای درویش در تاریخ پرسپولیس باقی می‌ماند. جام‌هایی که بالای سر رفت و بحران‌هایی که با او پشت سر گذاشته شد، بخشی از حافظه هواداران است اما یک مدیر موفق فقط با ماندن جاودانه نمی‌شود؛ گاهی هنر او در شناخت زمان درست رفتن است.

برای آرام شدن فضا و بازگشت اعتماد نسبی به سکو‌ها، شاید بهترین راه این باشد که درویش، پیش از آنکه فشارها سنگین‌تر شود و فشار تلخ‌تر رخ دهد، خودش به خودش رحم کند و با تصمیمی سخت اما درست، از پرسپولیس خداحافظی کند.

از گل علیپور رد داد که رفیعی منجی تیمش شد. پرسپولیس‌ها که با حضور ارونوف خط حمله‌شان جان گرفته بود در چهارمین دقیقه وقت‌های تلف‌شده روی تیزبینی علیپور و ضربه دقیقش، توانستند دروازه غلام زاده را باز کنند و از شکست برابر تیم تازه‌لیگ‌برتری‌شده فجر فرار کنند.

اگر بازیکنان فجر، تجربه و خودباوری بیشتری داشتند، می‌توانستند نخستین شگفتی لیگ برتر را در نخستین بازی‌شان رقم زنند. از این مساله هم نباید گذشت که طبق نظر کارشناسان داری، سروش رفیعی، هافبک پرسپولیس، مستحق اخراج در این بازی بود که با تسلیم قاضی میدان روبه‌رو شد. اگر پیروز قربانی بتواند خودباوری بازیکنانش را بیشتر کند و تیمش نیز در ادامه فصل همین گونه با برنامه و البته هوشیارتر ظاهر شود، شیرازی‌ها را به تداوم حضور در لیگ برتر امیدوار خواهد ساخت.

پرسپولیس نیز اگر مشکلاتش را برطرف نکند کاری سخت برای حضور در جمع مدعیان این فصل و کسب سهمیه خواهد داشت که خود موجب تشدید شرایط این باشگاه و نارضایتی سکو‌ها می‌شود.